



۲۰۱۶/۱۱/۲۳



و. عطار د

## "افغان" در شعر صوفی عبدالحق بیتاب

### ملك الشعراى افغانستان

غزل آتی را مرحوم صوفی عبدالحق "بیتاب" (رح) بعد از وفات قاری عبدالله خان ملك الشعراى، هنگامی سروده است که فرمان پادشاه افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را مبنی بر انتخاب تقرر و نامگذاری او به حیث ملك الشعراى افغانستان به وی ابلاغ کردند.

\*\* \* \*\*

آنچه می بایست داری از عطای کردگار  
کابل و غزنین و بلخ و هم هرات و قندهار  
گاهی و مهجور و واصل، طرزی شوکت مدار

ای وطن ای مولد و ماوای من افغان دیار  
اهل عرفانت ز فیض خویش مملو کرده اند  
حاذق و ناظم، ظهیر و عاجز، افغان شهید

\*\* \* \*\*

آنچه می بایست داری از عطای کردگار  
خاک پاکت روح بخش، آب و هوایت خوشگوار  
زانکه جان بخشاست از بهر صغار و هم کبار (۱)  
هم بدان رنگی که گردد سبزه خرم از بهار  
در هوای آنکه سازد نسر (۲) طائر را شکار  
مرد خیز آمد از آن رو، این دیار کوهسار  
شخص سیاسی اگر بوده است، یا خنجر گزار

ای وطن ای مولد و ماوای من افغان دیار  
آسمانت صاف و روشن، گل زمینت دل پسند  
می سزد آب روانت را اگر خوانم روان  
سیر باغ و بستانت، بشگفاند طبع را  
کوه های شامخت هر یک فلکسا گشته اند  
هست اوضاع طبیعی را اثر در تربیت  
ملتت ممتاز می بینم به هر مسلک که هست

۱- «صغار و کبار» خوردان و بزرگان (صغیر به معنی کوچک، خورد و کبیر به معنی کلان . بزرگ)  
۲- «نسر» نام دو ستاره است که در فلک دیده می شوند. در زبان غربی نسر طائر و دومی نسر واقع نامیده میشود. در زبان دری بدان ها دو «شاهین» گفته می شود.

اهل عرفانت ز فیض خویش مملو کرده اند  
از سخن پرور بسی نام آمرانی مر تر است  
"حنظله بادغیسی"، "مولوی معنوی"  
حاذق و ناظم، ظهیر و عاجز، افغان شهید  
شاعر پشتوی ما خوشحال خان و رحمن نگر  
حضرت "قاری" و مستغنی و آزاد و ندیم  
ترمزی و آئینه و پروانه، آهنگ و هم سروش  
جمله را ایزد بیامرزد به فضل و جود خویش  
در جهان مرگ بزرگان خورد را سازد بزرگ

کابل و غزنین و بلخ و هم هرات و قندهار  
چون سنایی و دقیقی، عنصری، استاد کار  
حضرت جامی، به علم و فضل هر یک نامدار  
گاهی و مهجور و واصل، طرزی شوکت مدار  
آن سروده ملی و این با تصوف داشت کار  
آن "قتیل" تیغ ابرو یا "عزیز" با وقار  
آن "فدایی" و فغان، صابر، شهاب بی قرار  
باد مرغ روح شان، در باغ جنت شاد خوار  
حق گواه من که من این را نبودم خواستگار

به اهتمام و. عطار

